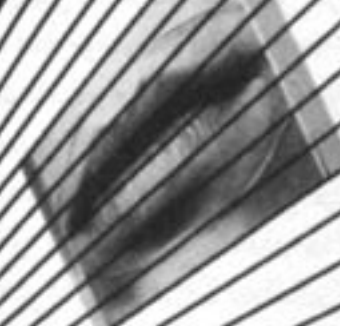


ایٹرنٹ؛ بستر آزادی بیان

گفتگو با داکٹر مسعود کوثری
مہدی عباسی و سمیرا داؤد سیادت



در استانه بر گزینی همایش فرزند فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه "برای انعکاس دیدگاه‌های استادان و صاحب نظران بهره وری از نظرات ایشان مصمم به تهیه گفتگویی در تیرماه با مقاله‌های همایش و درج آنها در نشریه شده‌ایم. آنچه در پی می‌آید نخستین گفتگو از این مجموعه است که یادآور مسعود کوثری استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو هیات علمی همایش فرهنگ و فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه صورت گرفته است.

«چه ارتباطی میان «فناوری اطلاعات و دهه ۱۹۹۰ به اوج رسیده‌اند وجود دارد؟» که همزمان در وجود دارد؛ در درباره رابطه این دو فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) علت و جهتی شدن معلول آن است. به عبارت دیگر، در این نظر آنچه جهتی شدن را گسترش می‌دهد و موتور محرک آن است، انفجار اطلاعات و به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباط است.

در دیدگاه دوم فاوا معلول جهتی شدن به شمار می‌آید. یعنی، جهتی شدن که در ابتدا، در تجربه‌های اقتصادی شروع شد نیازمند این بود که ارتباطات و دامنه بازارهای خود را گسترش بدهد و این کار جز به مدد فاوا ممکن نبود. همین امر باعث شد که توجه بیشتری به این فناوری بشود. از این رو در این دیدگاه معتقدند که دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، دهه رشد فاوا بوده است و شرکت‌های بزرگ روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در دهه بعد می‌آیند به ژنتیک زیستی توجه

1010011
1010011
1010011

خواهد شد و بیشتر افراد روی آن سرمایه گذاری خواهند کرد. بنابراین در این دیدگاه فاوا معلول است. اما در واقع ما باید به چند مرحله در توسعه جهانی شدن معتقد باشیم. به نظر من در مرحله نخست ممکن است که جهانی شدن علت بوده باشد و در اثر نیاز آن به فاوا موجب گسترش آن شده باشد اما در مراحل بعدی و جدی تر جهانی شدن، فاوا علت تقویت جهانی شدن است. به عبارت دیگر، جهانی شدن به ویژه در عرصه گسترش نمادهای فرهنگی که به وسیله فاوا ممکن می شود، خود معلول این فناوری است. پس اگر فاوا نبود چنین گسترشی در جهانی شدن، نه در وجه اقتصادی و نه در وجه فرهنگی آن به وجود نمی آمد.

◆ پس شما معتقدید که هر چند ابتدا فاوا معلول جهانی شدن بود اما به تدریج جهانی شدن را تقویت کرد؟

بله، چون مدت ها بود که فرهنگ جهانی شدن آغاز شده بود اما شتاب چندانی نگرفته بود. توجه به فاوا این شتاب را افزایش داد. به عبارت دیگر، در ابتدا این نیاز به وجود آمده بود که چگونه می توان بازارهای مالی متحد به وجود آورد یا گردش سریع پول را امکان پذیر کرد. هر چند در این زمینه در اقتصاد اتفاقاتی افتاده بود اما همین شرایط باعث شد که به فاوا و اینکه چگونه می تواند زمینه ساز رشد اقتصادی و جهانی شدن باشد، توجه بیشتری بشود. تا اینجا به نظر من فاوا در نقش معلول بود اما در مرحله بعدی نقش علت را برای رشد و گسترش جهانی شدن ایفا کرد.

◆ پس به نظر شما نیاز سرمایه داری به گسترش بازارها، انتقال آزادانه کالا و سرمایه و ... سبب توجه بیشتر به فاوا شد؟

هر چند بخشی از اختراع ها ممکن است یکباره به وجود آمده باشند و بدون نیروی پیش برنده سرمایه داری اتفاق افتاده باشند ولی نیاز به فاوا کاملاً احساس می شد. البته نظریه پردازان معدودی معتقدند که نباید از یک انقلاب در عرصه اطلاعات و ارتباطات صحبت شود بلکه اگر جریان دقیق تحولات را پس از اختراع تلفن و رادیو دنبال کنیم، خواهیم دید که تحول در فاوا ذره ذره فراهم شده است تا اینکه اینترنت و دیگر عناصر فناوری رایانه بنیان (مبانی بر رایانه) به وجود آمده اند. بنابراین، به نظر آنها گام های بسیاری برداشته شده تا فاوا به وجود آید و این جریان یک تحول است نه یک انقلاب اطلاعاتی.

◆ تحولات سیاسی در کشورهای مختلف معلول مؤلفه های مشترک یا متفاوت بسیاری هستند. یکی از این مؤلفه های

مشترک که بسیار به آن تأکید می شود فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امروزه در بسیاری از کشورها حتی آنهایی که حکومت دموکراتیک ندارند می بینیم که حکومت ها به بهانه های مختلف دسترسی افراد به فاوا را محدود می کنند، آیا به نظر شما ارتباط مستقیمی بین تحولات سیاسی، همچون دموکراسی، و فاوا وجود دارد؟

جریان دموکراتیزه شدن جوامع خیلی پیش از فاوا شروع شده است. همان طور که هانتینگتون (Huntington) می گوید در واقع دهه ۱۹۹۰ آغاز موج سوم دموکراسی در جهان است که کشورهایی که قبلاً دموکرات نبوده اند دموکرات شده اند. با این حال ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات به نظر بسیاری از پژوهشگران زمینه مساعدتری را برای دموکراتیزه کردن جوامع یعنی جوامع غربی، جوامعی که در موج سوم به دموکراسی پیوسته اند و جوامعی که هنوز به دموکراسی نپیوسته اند به وجود آورده است.

در واقع، این فناوری با به وجود آوردن یک جامعه مدنی مجازی به دموکراتیزه کردن جوامع کمک می کند؛ یک عرصه یا جامعه مدنی مجازی که می تواند در کنار جامعه عمومی واقعی به توسعه دموکراسی کمک کند. عرصه عمومی مجازی به ویژه می تواند در جوامعی که عرصه عمومی واقعی آنها با مشکلاتی روبه روست، محدودیت ها را برطرف کند و فضای بیشتری برای گفت و گو، انعکاس آرای مردم، تبادل نظر و نقد و بررسی عملکرد حکومت فراهم کند.

این مسئله در جهان اسلام هم سابقه دارد. با به وجود آمدن مطبوعات، رادیو و تلویزیون، جهان اسلام و به ویژه روحانیان کوشیدند که از این عناصر برای بسط فعالیت های خود و گفت و گو در جامعه استفاده کنند. حتی در دین هم صحبت از کلیسای الکترونیک به میان آمد؛ کلیسایی که برنامه های خود را به وسیله رادیو و تلویزیون پخش می کرد. در مصر و دیگر کشورهای اسلامی بحث «مفتی الکترونیک» مطرح شد که در واقع پخش آرا و نظریات متولیان دین از راه رادیو و تلویزیون بود. شاید بتوان گفت که این تعامل جدید یک مفتی مجازی، مسجد مجازی یا حوزه علمیة مجازی و چیزهای دیگر رانیز شکل داده است. درباره تعامل فاوا و سیاست نیز می توان گفت که این فناوری تحولاتی در عرصه سیاست



به وجود آورد:

۱. این فناوری نظارت بر عملکرد سازمان‌های دولتی را گسترش داد. دیجیتال شدن اطلاعات سازمان‌ها موجب نظارت و بازرسی مردم بر آنها شد، چراکه مردم می‌توانند عملکرد سازمان‌ها را در سایت‌های آنها ببینند. و روند گردش کار، میزان سرعت کار و چگونگی انجام کار سازمان‌ها را بررسی کنند. حتی می‌توانند با افکارمدیران و مسئولان سازمان‌ها آشنا شوند و چگونگی مدیریت آنها را ارزیابی کنند.

۲. این فناوری زمینه دموکراسی الکترونیک را فراهم آورد. بسیاری از مشارکت‌ها در عرصه انتخابات، و تبادل آرای احزاب و جناح‌های سیاسی به وسیله سیستم رایانه بنیان و شبکه جهان گستر امکان پذیر شده است.

۳. به کمک این فناوری مردم می‌توانند خدمات دولتی را از سیستم رایانه‌ای دریافت کنند یا درخواست‌هایشان را با این روش بیان کنند. بنابراین، این فناوری سبب شده است که مردم بتوانند از سطوح و لایه‌های مختلف نظام سیاسی، اطلاعاتی کسب کنند و تعامل بیشتری با آن نظام داشته باشد و به نقادی بیشتری درباره آن بپردازند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به کنش‌های سیاسی شکل جدیدی داده است. با پیدایش اینترنت وضع جدیدی در شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها و فرهنگ سیاسی به وجود آمده است با این حال در اینجا هم دو دیدگاه رقیب وجود دارد. عده‌ای معتقدند که زمینه تعامل یا اینترنت اکتیو اینترنت باعث می‌شود که یک فرهنگ سیاسی دموکرات‌تر، بازتر و پیش‌روتر به وجود آید و برعکس عده‌ای معتقدند مردم با همان فرهنگ سیاسی‌ای که دارند وارد اینترنت می‌شوند و همان‌طور هم خارج خواهند شد؛ یعنی اعوجاج‌ها و کجی‌هایی که در فرهنگ‌های سیاسی وجود دارند به مدد اینترنت درمان نخواهد شد و مردم همان هستند که بودند.

در واقع، اینترنت نه می‌تواند معجزه بکند و یک فرهنگ سیاسی کاملاً دموکرات و پیش‌رو به وجود آورد و نه آن قدر بی‌اثر است که تنها بستری برای فرهنگ‌های سیاسی قدیمی باشد. حد وسط این است که اینترنت تا اندازه‌ای زمینه تعامل فکری، فرهنگی و سیاسی را گسترش می‌دهد. مثلاً نقد آرا، آزادی بیان و حتی تعامل و مشارکت سیاسی شهروندان و افزایش می‌دهد؛ چراکه با مراجعه به وب‌لاگ‌های سیاسی، پیشنهاد دادن و استفاده از گروه‌های مجازی برای تشکیل اتاق‌های گفت‌وگو سطوح جدیدی از مشارکت که در نظریه‌های مشارکت سیاسی قبلاً به آن پرداخته نشده بود به وجود می‌آید. همه اینها زمینه دگرگونی در فرهنگ سیاسی را فراهم می‌کند و فرهنگ‌های سیاسی بسته، پدرسالارانه و دیکتاتورمآبانه به سمت فرهنگ‌های دموکرات‌تر و مبتنی بر گفت‌وگو و آزادی بیان پیش می‌روند.

◆ عده‌ای از کارشناسان معتقدند که اینترنت اگرچه امکاناتی را برای جوامع بشری فراهم می‌کند ولی ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی را هم در آن جوامع به وجود می‌آورد. از این رو آنها تأکید می‌کنند که این امکانات باید محدود شود. حال آیا به نظر شما فناوری اطلاعات و ارتباطات به خودی خود باعث ناهنجاری‌ها می‌شود یا عوامل دیگری در ادغام با آن سبب می‌شوند که این ناهنجاری‌ها شکل بگیرد؟ آیا می‌توان به طور مطلق درباره مثبت یا منفی بودن آن حکم داد؟ درباره اینکه اینترنت به آسیب‌های اجتماعی دامن زده است اظهار نظرهای مختلفی وجود دارد. دست کم می‌توان گفت که اینترنت همچون دیگر رسانه‌های جمعی بستر و ابزاری برای بیان بیشتر و آزادانه‌تر موضوع‌های مختلف فراهم کرد. مثلاً تلویزیون زمینه پخش صحنه‌های مستهجن و مرگ‌های دلخراش را به وجود آورد و در کنار آن اینترنت هم با قدرت چشمگیری که در فشرده‌سازی و پردازش اطلاعات دارد بستر مساعدی برای انتشار آسیب‌ها و انحراف‌هایی اجتماعی شد که ممکن بود در تمام عمر با آنها روبه‌رو شویم. بنابراین در اینترنت با کم شدن فاصله زمانی افراد زودتر با ناهنجاری‌های اخلاقی و فرهنگی آشنا می‌شوند.

اما این مسئله مطرح است که جوامع چگونه توانستند در مقابل وسایل و رسانه‌ها، کنترل اجتماعی به وجود آورند. به هر حال حتی در جامعه آمریکا و اروپا نیز همه کودکان فیلم مستهجن نگاه نمی‌کنند بلکه جامعه به نظامی کنترلی روی آورده است که در تلویزیون با تعیین نوع فیلم‌ها (دادن نشانه‌های اختیاری) و در اینترنت به کمک نرم‌افزارهای کنترل‌کننده و به ویژه از راه آموزش بیشتر به کودکان، تصویب قوانین حامی حقوق کودکان و زنان و جریمه افرادی که از فضای اینترنت استفاده نامناسب می‌کنند، افراد را در برابر آسیب‌های اجتماعی حمایت می‌کند. بنابراین اگر اینترنت بستر مناسبی را فراهم می‌آورد که بسیاری از آرا و عقاید انحرافی یا خلاف اخلاق از آن منتشر شود خود جامعه باید تلاش کند که نظام‌های درونی کنترلی جدیدی را برای استفاده از این وسیله در جامعه فراهم کند.



پس منع دسترسی هیچ مشکلی را حل نمی کند بلکه ما باید با سرعت هر چه بیشتر از اینترنت استفاده کنیم. من فکر می کنم که بحث استفاده کردن یا استفاده نکردن از اینترنت، در ایران نیز کهنه شده است. آن قدر استفاده از اینترنت زیاد شده است و افراد به آن خو گرفته اند که دیگر زندگی بدون آن تقریباً ناممکن است. تنها راه موجود این است که مانع از نظام کنترلی جدید در جامعه خود استفاده کنیم.

◆ آیا معضلات استفاده از اینترنت به خودی خود به وسیله خود اینترنت به وجود آمده اند یا این مشکلات قبلاً در جامعه وجود داشته و اکنون جوانانها به سمت آنها کشیده شده اند یا اینکه مسائل به وجود آمده پدیده ای طبیعی هستند و مشکل قلمداد نمی شوند؟

در کشورهایی که روابط اجتماعی به ویژه برای جوانانها (حتی با جنس مخالف) گسترده تر است تمایل به وب لاگ هانیز کمتر است. جامعه ای که روابط اجتماعی در آن بسته تر و محدودتر است. گرایش دارد به اینکه بخشی از آن محدودیت ها و کمبودهای خود را در عرصه مجازی جبران کند. به همین خاطر ایران رتبه سوم و در بدترین حالت رتبه پنجم در وب لاگ نویسی را دارد. همه این شواهد نشان می دهد که جوانان ما و حتی خود ما که از مرحله جوانی گذشته ایم به فضایی برای بیان خودمان و نیز برای ارتباط با دیگران نیاز مندیم؛ یعنی نیاز داریم که بتوانیم بدون محدودیت ها و پوشش هایی که در جامعه وجود دارد با یکدیگر گفت و گو کنیم.

اینترنت عرصه ای است که به دلیل محدودیت های اجتماعی موجود در ایران با ولع بیشتری از آن استفاده می شود. این موضوع هم نگرانی ندارد چون به زودی این عطش فروکش می کند؛ مثلاً وب لاگ نویس ها در ابتدا نزدیک به هشت ساعت در روز را صرف وب لاگ نویسی می کنند و این روند یک سال یا دو سال بیشتر ادامه نخواهد داشت. به عبارت دیگر، یک فرد نمی تواند همه زندگی خود را فلج کند تا وب لاگ بنویسد، وب لاگی که هر روز باید مطلبی تازه در آن نوشته شود و چون همه افراد به فکر زمان، درآمد و سامان دادن زندگی خود هستند پس از دورانی کوتاه در این جریان جامعه پذیر جدید، به راه خود می روند. بنابراین از نظر من وب لاگ ها عرصه ای جدید برای اجتماعی کردن افراد هستند و می توان از آنها به بهترین وجه برای جامعه پذیری جوانان استفاده کرد. در وب لاگ ها چون گفت و گوها رودررو و چهره به چهره نیست می توان اطلاعات فراوانی را در اختیار افرادی گذاشت که به هر دلیلی قادر به بیان مسائل خود نیستند و می توان از مشاوره های الکترونیک بهره جست. از این رو باید از این حوزه ها استفاده بهینه کرد. ضمن اینکه این حوزه ها به زودی از وب و تان می افتند و به تعادل می رسند.

◆ اینترنت چگونه موجب جامعه پذیری جوانان می شود؟

هر چه جوامع تکامل پیدا می کنند عرصه های جامعه پذیری آنها متعددتر و متکثرتر می شود؛ یعنی نوعی تفکیک و تمایز اجتماعی در عرصه های مختلف به وجود می آید. تنها عرصه اجتماعی شدن در جامعه بسیار سنتی گذشته، خانواده، قبیله یا گروه های محدود خویشاوندی بود. با تفکیک بیشتر جامعه، مدرسه به عرصه جامعه پذیری افراد افزوده شد. در واقع، مدرسه چیزهایی را به افراد آموخت که خانواده دیگر نمی توانست به آنها بیاموزد. با اضافه شدن



و در این راستا، تلاش می‌کنیم تا با استفاده از ابزارهای نوین، به دنبال راه‌های نوین برای حل مشکلات جامعه باشیم. در این راستا، تلاش می‌کنیم تا با استفاده از ابزارهای نوین، به دنبال راه‌های نوین برای حل مشکلات جامعه باشیم. در این راستا، تلاش می‌کنیم تا با استفاده از ابزارهای نوین، به دنبال راه‌های نوین برای حل مشکلات جامعه باشیم.



دانشگاه، به افراد چیزهایی آموخته شد که مدرسه نمی‌توانست به آنها بیاموزد. با پیدایش NGOها (نهادهای عمومی غیردولتی)، سازمان‌ها و انجمن‌ها نیز این چرخه تداوم یافت. فناوری‌های رایانه بنیان با جهان جدیدی که به وجود آوردند زمینه را برای یک جامعه‌پذیری نوین که در عرصه‌های اجتماعی پیشین امکان‌پذیر نبود، فراهم کردند. مثلاً در عرصه‌های اجتماعی سنتی امکان‌پذیر نبود که یک دختر خود را پسر جا بزند و با او و افکار پسران در مورد دخترها آشنا بشود. اما در وب‌لاگ‌ها این امر کاملاً مشروع است و بنابر این در این تعاملات می‌توان بیشتر اجتماعی شده. اجتماعی شدنی که عرصه‌هایی سنتی به افراد اجازه آن را نمی‌داد. مثلاً امروزه برای تماشای مسابقات فوتبال از

رسانه‌های دیجیتال و مطالعات فرهنگی
 رسانه‌های دیجیتال و مطالعات فرهنگی
 رسانه‌های دیجیتال و مطالعات فرهنگی

نزدیک برای دختران ایرانی محدودیت وجود دارد و یک دختر ایرانی آرزو دارد از نزدیک ببیند که یک استاد یوم ورزشی چه شکلی دارد، تماشای مسابقه فوتبال از نزدیک چه شوری دارد، بازیکن‌ها شادی و خشم خود را در بازی چگونه نشان می‌دهند و بالاخره با فرهنگ و خرد فرهنگ‌های این عرصه آشنا شود. به دلیل اینکه تاکنون هیچ راهی برای رفع این مسئله فراهم نشده است، تصور یک دختر ایرانی از مسابقه فوتبال تصویری ساختگی است که بر اساس رسانه‌ها شکل

گرفته است. از این زو می توان گفت که در بعضی از عرصه ها اینترنت زمینه کسب اطلاعات و جامعه پذیری بهتر و بیشتر را برای ما فراهم می کند.

◆ عوامل و دلایل گسترش یکباره کاربرد اینترنت و موج اینترنتی شدن جوانان ایرانی چه هستند؟

میزان کاربران اینترنت در ایران تا سال ۱۳۸۰ بسیار کم بود اما یکباره موج عظیمی از کاربران به اینترنت روی آوردند. علت این مسئله آگاهی از امکان نوشتن وب لاگ ها بود. نوشتن وب لاگ های فارسی و وب لاگ های شخصی عرصه ای را به وجود آورد که موجب شد در آن هویت فردی راحت تر بروز کند، ارتباط و تعامل بهتری به وجود آید و گفت و گو با دیگران از اقشار و سنین مختلف و حتی جنس مخالف آسان تر شود، از این رو به ویژه جوانان گرایش شدیدی به اینترنت پیدا کردند. وب لاگ در نتیجه ای بود که باعث ورود کاربران ایرانی به اینترنت شد؛ در نتیجه ای که به کمک آن متوجه شدند که اینترنت چه چیزهایی می تواند با خود به همراه بیاورد و چه فواید و امکاناتی دارد. بنابراین بیشتر کاربران ایرانی کسانی هستند که با وجود اطلاعات مقدماتی از اینترنت، قادر به وب لاگ نویسی و چت کردن هستند. با همین شیوه از سال ۱۳۸۰ (که هیچ وب لاگی وجود نداشت) تا سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۴۰ هزار وب لاگ نوشته شد و اکنون در شبکه Orkut که یک شبکه دوست یابی است ایران، بعد از ایالات متحده و برزیل، مقام سوم را در کاربران این شبکه در جهان دارد. در دیگر شبکه های وب لاگ هم وضعیت ایران خوب است.

◆ پس فکر می کنید که وضعیت کشور ما از نظر کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات هر چند ممکن است مناسب الان

نباشد ولی رو به رشد است؟!

از نظر من جنبه های دیگر تولید داده (Data) در شبکه های اینترنتی ایران بسیار ضعیف است و تنها جنبه ای که محتوای اطلاعات فارسی در آن قوی است، وب لاگ ها هستند که با گسترش تولیدات وب لاگ ها، شبکه ها نیز به اصطلاح فربه شده اند. در جنبه های دیگر که ایران در آنها بسیار ضعیف است، نیاز به سرمایه گذاری جدی وجود دارد، چرا که تولید محتوا پرهزینه ترین و پردردسرتترین و وقت گیرترین کار در اینترنت است و مامقا سفانه از نظر داده های قابل استناد در اینترنت به هیچ وجه رتبه خوبی نداریم.

◆ گاه در بحث از گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، دیدگاه ها و ارزش های سنتی را در برابر توسعه فناوری

می بینیم. حتی گفته می شود که برای ایجاد دولت الکترونیک و گسترش فاوا باید دست به مهندسی دوباره ارزش در جامعه زد. ارزش های سنتی چگونه می توانند مانع گسترش این فناوری شوند؟
بحث سنت و مدرنیته به سادگی حل شدنی نیست و اظهار نظرهای مختلفی در این باره وجود دارد. به نظر من دست کم در عرصه فناوری ها اطلاعات و ارتباطات و اینترنت، مردم از دولت جلوترند. به عبارت دیگر، در این عرصه این حکومت یا دولت است که مانع استفاده مردم می شود. بی تردید قشر جوان در عرصه این فناوری از مدیران، مسئولان و دولتمردان جلوتر است و نه تنها نیاز به فرهنگ سازی ندارد بلکه باید بانی فرهنگ سازی برای بقیه جامعه و حتی مسئولان جامعه شناخته شود. بنابراین، آن عده ای که بیش از دیگران به تغییر دیدگاه خود نیاز دارند مسئولان و مدیران هستند؛ چرا که رشد و گسترش این فناوری بیش از هر چیز مدیریت سنتی آنها را با مشکل روبه رو خواهد ساخت. پس مدیران و مسئولان کشور نباید همچون آموزگاران که قصد سرزنش یا توبیخ شاگردان خود را دارند، با مردم برخورد کنند. در واقع، آنها چیزی برای گوشزد کردن ندارند بلکه در اینجا مردم و به ویژه قشر جوان هستند که می توانند نکاتی را مبنی بر اینکه مسئولان جامعه نیاز بیشتری به این امکانات دارند، به آنها گوشزد کنند.

◆ با توجه به اینکه به حرکت به سوی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید می شود و در ظاهر برای این کار سرمایه گذاری می شود، پس چرا تا به حال نتوانسته ایم گام بزرگی به سمت آن برداریم و حرفی در این زمینه داشته باشیم؟
متأسفانه یکی از تفاوت های اساسی فناوری اطلاعات و ارتباطات با فناوری های سخت افزاری و نرم افزاری پیش از خود این است که این فناوری تنها با خریداری شدن نمی تواند کشوری را قادر به استفاده از خود بکند. خرید این فناوری مهم نیست بلکه توانایی کاربرد آن و مهم تر از آن توانایی تولید اطلاعات و دانش در آن فناوری با اهمیت است؛ چرا که بسیار پرهزینه، پر زحمت و محتاج به مدیریتی



برتر است. همین مسئله مانع اساسی مادر پیشبرد این فناوری در کشور است و پیرو پرسش پیشین اگر منظور ما از ارزش ها، فرهنگ سازمانی باشد، ممکن است فرهنگ سازمانی این فناوری در اداره ها و در سازمان های ما کم باشد اما این امر به تدریج حل خواهد شد. مشکل اصلی مشکل ذهنیتی که با این فناوری مخالف باشد، نیست بلکه مشکل این است که تا به حال استفاده از رایانه و اینترنت در نقش یکی از ابزارهای انجام کار سازمانی و کارهای دیگر تجربه نشده است. به عبارت دیگر، باید مدیران سازمان ها آرام آرام با برنامه ای سنجیده زمینه آشنایی با کاربرد و چگونگی انجام کار با این فناوری را در سازمان های خود فراهم کنند و البته در آغاز خود مدیران باید با این فناوری و کاربرد آن آشنا شوند.

◆ هر چند توسعه خوب در جوامعی همچون جامعه ما به یک معنا تبدیل شده است اما کشور ما برای حرکت به سوی توسعه یافتگی و برای بیرون آمدن از وضعیت توسعه نیافتگی امکانات بسیاری دارد که باید از آنها استفاده کند. یکی از مهم ترین امکاناتی که امروزه مطرح است فناوری اطلاعات و ارتباطات است. به نظر شما فاوا چه تاثیری در فرایند توسعه دارد؟

فاوا رابطه ای چندگانه با توسعه دارند:

۱. رشد و گسترش این فناوری می تواند راهی بدیع برای میان بردن در توسعه اقتصادی باشد. چه بسا که برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا از این فرض استفاده کرده اند و می کنند. مثلاً در عرصه آموزش، کشورهایی که ریاضی، آمار و برنامه نویسی رایانه در آنها قوی است می توانند از این فناوری برای تولید نرم افزارها و برنامه های خود استفاده کنند و از این راه سهم خود را در تولید دانش فنی یا دیجیتال بالا ببرند که خود اینها سرمایه ای عظیم در راه توسعه است. یعنی جامعه دانش محور جدید بیش از هر چیز متکی بر تولید و خرید و فروش اطلاعات است.

از این رو با توجه به ذهن خلاق جوانان کشورهای جهان سوم مانند ایران، هند، اندونزی و مالزی، این زمینه فراهم است که نوآوری ها، اختراع ها و ابداعات موجود در این فناوری به وسیله همین جوانان به وجود آیند. مثلاً بسیاری از اجزای برنامه های بزرگ مایکروسافت به وسیله جوانان هندی نوشته می شود و از راه پست الکترونیک و وسایل دیگر برای مهندسان شرکت مایکروسافت ارسال می شود و در این رفت و برگشت هاست که برنامه های بزرگ مایکروسافت ساخته می شود و به بازار می آید.

۲. جامعه جدید جامعه ای خدمات محور است و محور این خدمات در عصر جدید و در دهه ای که پیش رو داریم اطلاعات است؛ یعنی خدمات اطلاع رسانی به شیوه های گوناگون که بیش از هر چیز به خرید و فروش، مشاوره و جست و جو و ارائه اطلاعات مفید در زمان مناسب به مشتری است. این امر می تواند مشاغل جدیدی را در ایران ایجاد کند که متأسفانه سطح صنعتی کشور ما توانایی ایجاد چنین مشاغلی را ندارد، چراکه ظرفیت اشتغال زایی بخش صنایع سنگین و حتی صنایع سبک ایران محدود است. نظام اداری ما هم با خصوصی سازی دیگر نمی تواند بیش از این گسترش یابد و حتی باید محدودتر شود. اما به هر حال عرصه خدمات اطلاع رسانی می تواند عرصه جدیدی باشد که به واسطه آن مشاغل جدیدی ایجاد بشوند و این مشاغل زمینه های توسعه اقتصادی بیشتری را برای کشور فراهم کنند.

◆ به طور کلی ایران از نظر کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در چه وضعیتی قرار دارد؟

جایگاه ما در زمینه محتوای اطلاعاتی مفید در اینترنت بسیار پایین است و حتی از نظر سخت افزار هم از بسیاری از کشورها عقب هستیم. در مسیر توسعه نیز منابع مالی چندانی نداریم. در یک رده بندی می توان امریکارا در رده یکم، کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس را در رده دوم، مالزی، اندونزی، سنگاپور و کشورهای حوزه جنوبی حاشیه خلیج فارس را در رده سوم، کشورهای همچون ایران که تازه راه خود را به این سمت آغاز کرده اند را در رده چهارم و کشورهای افریقایی و عقب مانده را در رده پنجم قرار داد. بنابراین ما هم از نظر تولید محتوا و هم از نظر زیرساخت های لازم برای توسعه فاوا در کشور در رده های چهارم یا پنجم کشورهای جهان قرار داریم.

◆ با توجه به اینکه شهرداری ها، وزارتخانه ها و حتی فرهنگسراها برای خود بخش فناوری اطلاعات دارند ولی با این وجود مادر درجات آخر رده بندی هستیم. چه کار باید کرد که با صرف این همه هزینه، نیروی انسانی، فضا و زمان بتوانیم در آینده چشم انداز خوبی از این موضوع داشته باشیم و کشورمان را در مسیری قرار دهیم که بتوانیم از این فناوری برای رفع محرومیت یا جبران عقب ماندگی خود استفاده کنیم؟

فرض کنید که سازمانی با ۱۰۰ نفر کارمند وجود دارد. برای مجهز کردن این سازمان به رایانه، شبکه های



پشتیبان رایانه، هاب‌ها، نمایشگرها و سایر وسایل مورد نیاز، ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان لازم است. اما برای اینکه در این شبکه اطلاعات لازم تولید بشود و کارمندان آن بتوانند با این شبکه خوب گیرند و به اصطلاح گردش کار به طور کامل به وسیله این شبکه صورت بگیرد و هزینه و زمان کاهش یابد، نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان بودجه مورد نیاز است. یعنی تولید محتوا و آموزش و چیزهایی که باید در شبکه موجود باشد تا شبکه جان بگیرد پنج برابر قیمت سخت افزارها و نرم افزارهای رایانه‌ای لازم برای چنین شبکه‌ای است. بنابراین ظاهر قضایا نباید ما را گول بزند. چه بسا که بسیاری از سازمان‌ها وب سایت‌شان بیش از دو صفحه نیست و در لینک‌ها، هایپرلینک‌های آنها چیزی دیده نمی‌شود. به دولت‌هایی که چنین سازمان‌هایی دارند دولت الکترونیک گفته نمی‌شود حتی به این شبکه نیز شبکه الکترونیک گفته نمی‌شود. محتوا و لینک‌هایی که ما را به لایه‌های عمیق‌تر اطلاعاتی می‌برند بسیار مهم هستند، چراکه آنها عمق اطلاعات موجود در سایت را نشان می‌دهند. به نظر من ما هنوز در ابتدای راه هستیم زیرا در سازمان‌های ما محتوای اطلاعاتی سایت‌ها ناچیزی است.

♦ آیا از نظر شما مشکل اصلی، تولید اطلاعات است که ما قادر به انجام آن نیستیم؟

بله، نکته مهم تولید اطلاعات است. بسیاری از جوانان ما قادر هستند در عرصه برنامه‌نویسی به مهندسان شرکت مایکروسافت و دیگر شرکت‌های مهم دنیا کمک بکنند و در سطح حرفه‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشکل تولید اطلاعات مشکلی است

که با برنامه‌نویسی درست نمی‌شود.

بسیاری از اطلاعات ثبتی سازمان‌ها باید

با دقت و حوصله وارد بشود. بسیاری از

کارهای شفاهی باید مکتوب شود و به

صورت اطلاعات عمومی درآید. بسیاری از

اسناد سازمان‌ها باید دیجیتال بشود و در سازمان‌ها

موجود باشد. تعدد و تعارض نرم افزارها که خود مانع

بزرگی در راه دیجیتالی کردن اطلاعات است، باید از بین

برود. سیستم‌های مختلف کدپنگ‌های رایانه‌ای باید

یکنواخت شوند. همه اینها باعث می‌شود که ما در نظام جهانی

اطلاع‌رسانی جدید عقب بمانیم و در دسته‌های چهارم یا پنجم جای

بگیریم.

♦ درمان مشکل تولید اطلاعات در جامعه به عهده چه کسی است؟ سردمدار رفع این مشکل دولت است

یا مردم؟ آیا NGOها یا خود افراد می‌توانند این مشکل را حل کنند؟

رفع این مشکل نیازمند یک طرح توسعه ملی است که بتواند زیرساخت‌های لازم آن را در سطح کشور



فراهم بکنند. با تلاش فراوان، این مسئله در برنامه چهارم توسعه منعکس شده است اما هنوز هم این برنامه از نبود دیدگاهی منسجم درباره توسعه فاوارنج می برد. به نظر من با این مسئله باید خیلی جدی تر از آنچه هست برخورد شود. مشکل ما فیلترینگ، محدود کردن، باز کردن یا بستن چند وب لاگ و سایت نیست. این مسئله آن قدر فوری است که از بسیاری از اموری که در مملکت می گذرد واجب تر باشد و نیازمند سرمایه گذاری بیشتر است. شاید بتوان گفت که حتی از دستیابی به انرژی اتمی نیز برای ما حیاتی تر است. از این رو این مسئله مستلزم یک برنامه جامع ملی است.

بخش خصوصی نیز که انگیزه هایی برای فعالیت در این زمینه ها دارد باید با این برنامه هم نوا شود. تسلیم ناگهانی بازار در مقابل کالاهایی با نشانه تجاری مخصوص و از شرکتی خاص فاجعه به بار می آورد. ورود یکباره صدها نسخه از نرم افزارها بازارهای داخلی را نابود می کند و بحران بوجود می آورد. توجه نکردن به حقوق مؤلفان برنامه های رایانه ای، مشکلات فراوانی به وجود می آورد. توجه به همه این موارد کمک می کند تا از پتانسیل بخش خصوصی استفاده زیادی بشود.

متأسفانه مزاد ارزش افزوده برنامه نویسی در ایران اغلب به خارج از ایران منتقل می شود چراکه ایرانیانی که در آنجا شرکت های رایانه ای یا مرتبط با این حوزه ها دارند با سفارش کار به ایران، محصولات جوانان دانشجوی ایرانی را به قیمت ارزان می خرند و ارزش افزوده این محصولات وارد بازارهای اروپا و امریکا می شود. بنابراین باید جلوی این کار نیز گرفته شود.

♦ برای جمع بندی مطالب از شما می خواهم که بگویید چه رابطه ای بین سه مؤلفه فرهنگ، فاوا و توسعه وجود دارد؟

رابطه فاوا و فرهنگ در چهار سطح قابل بررسی است:

۱. سطح فردی یا شخصیت؛ مهم ترین بحث در این زمینه بحث هویت است.

۲. سطح سازمانی؛ این فناوری با فرهنگ سازمانی در مسایل دیگری که در این عرصه وجود دارد، چه رابطه ای دارد؟

۳. سطح ملی؛ رابطه این فناوری با فرهنگ ملی و هویت ملی چیست.

۴. سطح جهانی؛ در این بحث رابطه فرهنگ جهانی با اینترنت و فناوری مبتنی بر رایانه بررسی می شود.

رابطه فاوا با توسعه سه وجه دارد:

۱. رابطه این فناوری با اقتصاد ملی؛

۲. رابطه این فناوری با توسعه اجتماعی؛

۳. رابطه این فناوری با توسعه سیاسی.

اما بین توسعه و فرهنگ هم با میانجی گری فاوا نقاط تلاقی ای وجود دارد. برای مثال در سطح فردی چه شخصیتی برای توسعه مناسب تر است، در سطح سازمانی چه نوع فرهنگ سازمانی برای توسعه مناسب تر و بهتر است. اینها نقاطی هستند که می توان بین این سه رأس مثلث برقرار کرد.

